

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه هنر اصفهان
دانشکده هنرهای تجسمی و کاربردی
گروه نقاشی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته نقاشی گرایش عمومی

نگاه به انسان در نقاشی مکتب اصفهان صفوی وقاجار

استاد راهنما:
دکتر اصغر جوانی

استاد مشاور:
دکتر علیرضا عطاری

پژوهشگر:
حمید خسروی
اسفند ماه ۱۳۸۹

اظهارنامه دانشجو:

موضوع پایان نامه :

استاد راهنما:

اینجانب حمید خسروی دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته نقاشی گرایش عمومی دانشکده هنرهای تجسمی و کاربردی دانشگاه هنر اصفهان به شماره دانشجویی ۸۷۱۱۳۰۸۱۰۷ گواهی می نمایم که تحقیقات ارائه شده در این پایان نامه توسط شخص اینجانب انجام شده و صحت و اصالت مطالب نگارش شده مورد تأیید می باشد و در موارد استفاده از کار دیگر محققان به مرجع مورد استفاده اشاره شده است. به علاوه گواهی می نمایم که مطالب مندرج در پایان نامه تاکنون برای دریافت هیچ نوع مدرک یا امتیازی توسط اینجانب یا فرد دیگری ارائه نشده است و در تدوین متن پایان نامه چارچوب مصوب دانشگاه هنر اصفهان را به طور کامل رعایت کرده ام.

امضاء دانشجو:

تاریخ:

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق، همچنین چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه و اقتباس از این پایان نامه کارشناسی ارشد، برای دانشگاه هنر اصفهان محفوظ است.
نقل مطالب با ذکر منبع بلامانع است.



دانشگاه هنر اصفهان
دانشکده هنرهای تجسمی و کاربردی
گروه نقاشی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته نقاشی گرایش نقاشی آقای/خانم حمید خسروی با عنوان:

[نگاه به انسان در نقاشی مکتب اصفهان صفوی وقاجار]

ارایه شده به مدیریت تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی از فعالیتهای تحصیلی لازم برای درجه‌ی کارشناسی ارشد که در تاریخ ۸۹/۱۲/۱۵ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با نمره.....درجه به تصویب نهایی رسید

- ۱- استاد راهنمای اول پایان نامه آقای دکتر اصغر جوانی با مرتبه علمی امضا
- ۲- استاد مشاور اول پایان نامه آقای دکتر علیرضا عطاری با مرتبه علمی امضا
- ۳- استاد داور داخل گروه خانم دکتر افسانه ناظری با مرتبه علمی امضا
- ۴- استاد داور خارج از گروه آقای حسین آقاجانی با مرتبه علمی امضا

مهر و امضای مدیر گروه

سپاسگزاری:

در اینجا لازم می دانم از استادان محترم جناب آقای دکتر جوانی و جناب آقای دکتر عطاری بخاطر زحمتهایی که در جهت راهنمایی بنده برای گردآوری این رساله کشیدند نهایت تشکر و قدردانی را داشته باشم.

چکیده

تغییرات و تحولاتی که از سده یازدهم به بعد در اوضاع سیاسی و اجتماعی حکومت صفوی و قاجار بوجود می آید، تحولی در نگاه به انسان در نقاشی ایرانی را سبب می شود که از جهاتی با ارزشهای پیکرنگاری ایرانی فاصله پیدا می کند. تفاوت‌های میان تصویر انسان در مکتب اصفهان و قاجار، چگونگی رابطه پیکرنگاری با عواملی نظیر دربار، شرایط اجتماعی و سیاسی و چگونگی روند غلبه انسان بر طبیعت در نقاشی های ایرانی سؤالات مطرح شده در این تحقیق می باشند. فرضیه های تحقیق از این قرار است که به نظر می رسد شرایط اجتماعی در پیکره نگاری مکتب اصفهان و قاجار تأثیرگذار است، جایگاه انسان در نقاشی مکتب اصفهان و قاجار حضوری زمینی و انسان گرایانه را دنبال نموده است و گمان می رود عنصر خیال در مکتب اصفهان کمرنگ شده و ایده نگارگر را باید در متن تصویر و ترکیب بندی آن دنبال کرد تا در روابط بینامتنی میان داستان و تصویر؛ این تحول بنا بر رویکرد نگارگران به دنیای پیرامون و در واقع توجه به جهان بیرونی اتفاق می افتد، در مرحله اول مکتب اصفهان انسان کاملاً شکلی سنتی دارد اما در مرحله دوم با وجود ویژگیهای سنتی نفوذ تأثیرات غربی دیده می شود. در مکتب قاجار تأثیر بسیار دربار در پیکرنگاری مشخص است. اهمیت تجمل و شکوه، بازگشت به هنر باستان، تظاهر به مذهب از جمله این تأثیرات هستند. در اوایل مکتب قاجار تأثیراتی که از هنر اروپایی گرفته شده در کنار ویژگیهای پیکرنگاری ایرانی دیده می شوند اما در اواخر این دوره در آثار کمال الملک پیکرها کاملاً واقعی و زمینی نقاشی می شوند و ارزشهای پیکرنگاری ایرانی از قبیل آرمانگرایی، اندام لطیف، تزئین، رنگهای شفاف و غیره.. در نقاشی از بین می روند و دیگر اثری از عالم خیال در آثار بچشم نمی خورد.

کلید واژه ها:

پیکرنگاری، عالم خیال، معنویت، مکتب اصفهان صفوی، تکچهره، مکتب قاجار،

واقعنمایی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول:
۱	کلیات تحقیق
۲	۱-۱ مقدمه
۳	۱-۲ بیان مسأله
۴	۱-۳ اهمیت و ضرورت موضوع تحقیق
۴	۱-۴ اهداف تحقیق
۴	۱-۵ سؤالات تحقیق
۴	۱-۶ فرضیه های تحقیق
۵	۱-۷ قلمرو مکانی و زمانی پژوهش
۵	۱-۸ روش تجزیه و تحلیل داده ها
۵	۱-۹ روش پژوهش
۵	۱-۱۰ محدودیتهای پژوهش
۵	۱-۱۱ شرح واژه ها و اصطلاحات به کاررفته در پژوهش
۵	۱-۱۲ پیشینه تحقیق
۶	فصل دوم: مروری بر مفاهیم نظری و ادبیات تحقیق
۷	۲-۱ جایگاه انسان در هنر قبل از اسلام
۱۰	۲-۲ پیکرنگاری در دوره اسلامی
۱۰	۲-۲-۱ رابطه حکمت و معنویت با موضوع انسان در نگارگری
۱۵	۲-۲-۲ رابطه نگارگری با ادبیات
۱۸	۲-۳ پیکرنگاری در نقاشی مکتب اصفهان صفوی
۱۸	۲-۳-۱ شرایط سیاسی و اجتماعی مرتبط با نگارگری
۱۹	۲-۳-۲ حامیان درباری
۲۱	۲-۳-۳ تأثیرات هنر اروپا بر پیکرنگاری مکتب اصفهان
۲۲	۲-۳-۴ تأثیر هنر هند بر پیکرنگاری مکتب اصفهان
۲۳	۲-۳-۵ رابطه اندیشه ملاصدرا با پیکرنگاری در مکتب اصفهان

۲۶	۴-۲ ویژگیهای پیکر نگاری مکتب اصفهان
۲۸	۵-۲ تکچره نگاری
۳۰	۶-۲ هنرمندان و آثارشان در مکتب اولیه اصفهان (رضاعباسی و معین)
۳۰	۶-۲-۱ رضاعباسی
۳۴	۶-۲-۲ معین مصور
۳۵	۷-۲ انسان در مرحله دوم نقاشی مکتب اصفهان
۳۶	۸-۲ هنرمندان و آثارشان در مرحله دوم مکتب اصفهان
۳۶	۸-۲-۱ بهرام سفره کش
۳۷	۸-۲-۲ علی قلی بیک جبه دار
۳۹	۸-۲-۳ محمد زمان
۴۳	۹-۲ مکتب قاجار
۴۴	۹-۲-۱ شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در دوره قاجار
۴۸	۹-۲-۲ حامیان درباری
۴۹	۱۰-۲ انسان در مکتب اولیه قاجار (پیکر نگاری در بای)
۵۱	۱۱-۲ نقاشان و آثارشان در مرحله اولیه مکتب قاجار
۵۱	۱۱-۲-۱ میرزا بابا
۵۱	۱۱-۲-۲ مهر علی
۵۴	۱۲-۲ خصوصیات ایرانی در پیکر نگاری دوره قاجار
۵۷	۱۲-۲-۱ صخره نگاره های قاجاری
۶۰	۱۳-۲ دوره گذار
۶۱	۱۴-۲ مرحله دوم مکتب نقاشی قاجار
۶۲	۱۴-۲-۱ موضوعات مذهبی
۶۶	۱۴-۲-۲ صنایع الملک
۶۹	۱۵-۲ تاثیر عکاسی در پیکر نگاری قاجار
۷۱	۱۶-۲ گسست سنت
۷۱	۱۶-۲-۱ کمال الملک
۷۵	فصل سوم: تجزیه و تحلیل و نتیجه گیری
۷۶	۳-۱ مطالعه تطبیقی پیکر نگاری مکتب اصفهان صفوی و قاجار
۷۸	۳-۲ تجزیه و تحلیل و نتیجه گیری
۹۱	منابع و مأخذ

فهرست عکس‌ها

صفحه	عنوان
۷	عکس ۱-۲ پلاک سنگی بانقش انسان نما
۷	عکس ۲-۲ ظرف سفالی با طرح انسان
۹	عکس ۳-۲ گروه هدیه آور بابلی
۹	عکس ۴-۲ نقش برجسته نیزه داران ایلامی
۱۳	عکس ۵-۲ گریز حضرت یوسف از زلیخا
۱۵	عکس ۶-۲ بخشی از نگاره شاهنامه تهماسبی
۲۷	عکس ۸-۲ تصویر دختر جوان منسوب
۲۷	عکس ۷-۲ صحنه عاشقانه
۲۸	عکس ۹-۲ تکجهره سلطان حسین بایقرا
۲۸	عکس ۱۰-۲ شاهزاده لمیده در حال مطالعه
۳۱	عکس ۱۱-۲ پیرمرد مسافر
۳۱	عکس ۱۲-۲ دلگک و میمون سوار بر اسب
۳۲	عکس ۱۳-۲ برهنه لمیده
۳۲	عکس ۱۴-۲ زن لمیده
۳۵	عکس ۱۵-۲ عاشق و معشوق با ندیمه
۳۶	عکس ۱۶-۲ عاشق و معشوق
۳۸	عکس ۱۷-۲ بانویی در کنار فواره آب
۳۹	عکس ۱۸-۲ نجیب زاده صفوی
۴۱	عکس ۱۹-۲ شاه عباس دوم و سفیر گورکانیان هند
۴۲	عکس ۲۰-۲ شاه زاده صفوی در دیداربانماینده کمپانی هند شرقی
۴۲	عکس ۲۱-۲ شاه سلطان حسین هدایای نوروزی را تقسیم می کند.
۵۱	عکس ۲۲-۲ پیکره مردی ایستاده
۵۲	عکس ۲۳-۲ چهره فتعلیشاه
۵۳	عکس ۲۴-۲ فتحعلی شاه نشسته بر تخت مرصع
۵۳	عکس ۲۵-۲ فتحعلی شاه نشسته بر تخت مرصع
۵۳	عکس ۲۶-۲ فتحعلی شاه نشسته بر قالیچه مرصع
۵۵	عکس ۲۷-۲ دو تابلو از ناپلئون در ردای سلطنتی

۵۵	عکس ۲-۲۸ فتحعلی شاه
۵۵	عکس ۲-۲۹ فتحعلی شاه
۵۸	عکس ۲-۳۰ محمدعلی میرزادولت‌شاه با فرزندان و وزیر
۵۸	عکس ۲-۳۱ فتحعلی شیاهرادر حال کشتن شیر
۶۱	عکس ۲-۳۲ محمد شاه
۶۱	عکس ۲-۳۳ محمد شاه
۶۳	عکس ۲-۳۴ ناصرالدین شاه با شمایل حضرت علی(ع)
۶۳	عکس ۲-۳۵ ناصرالدین شاه در کنار توپ جنگی
۶۴	عکس ۲-۳۶ حضرت محمد(ص)، حضرت علی(ع) حضرت فاطمه (س)
۶۵	عکس ۲-۳۷ کربلا
۶۶	عکس ۲-۳۸ شاهزاده جلال الدین میرزا احتشام الملک و شاهزاده سلطان حمید میرزا
۶۷	عکس ۲-۳۹ ناصرالدین شاه
۶۸	عکس ۲-۴۰ دو دل‌داده و پیرزن مشاطه
۷۰	عکس ۲-۴۱ ناصرالدین شاه نشسته بر روی دو صندلی
۷۰	عکس ۲-۴۲ ناصرالدین میرزا با کامران میرزا و خواهرش و دو بانوی دیگر
۷۱	عکس ۲-۴۳ ناصرالدین شاه در کاخ
۷۳	عکس ۲-۴۴ چهره ناصرالدین شاه
۸۱	عکس ۳-۱ دیدن خسرو شیرین رادر حال آبتنی کردن
۸۲	عکس ۳-۲ پیدا کردن خسرو شیرین راخمسه نطانی
۸۲	عکس ۳-۳ پیدا کردن خسرو شیرین راخمسه نطانی. شیراز
۸۳	عکس ۳-۴ عاشق و معشوق. بوستان سعدی. منسوب به عبدالله
۸۳	عکس ۳-۵ عاشق و معشوق. بوستان سعدی
۸۴	عکس ۳-۶ عاشق و معشوق بان‌دیمه
۸۵	عکس ۳-۷ محمد شاه
۸۶	عکس ۳-۸ دیوها و انسانها
۸۷	عکس ۳-۹ اسب سحر آمیز
۸۷	عکس ۳-۱۰ خسرو شسیرین را در حال آبتنی کردن می بیند
۸۷	عکس ۳-۱۱ طیب و مریض
۸۸	عکس ۳-۱۲ فالگیر یهودی

فصل اول

کلیات تحقیق

طراحی از هر آنچه که ذهن انسان را به خود مشغول می‌داشته، از ابتدایی‌ترین آثار هنری بشر تا به امروز برای انسان حائز اهمیت بوده است، می‌توان گفت آنچه که بیشتر از هر شکلی انسان به آن پرداخته است شکلیست که از خود در ذهن می‌ساخته است. می‌دانیم که انسان، آن تصاویری را که در غارها و صخره‌ها از خود بر جای گذاشته است، در هر دوره‌ای بازتابی از دلمشغولی‌ها، امیدها، ترس‌ها و درگیری او با طبیعت و حتی آداب و عقایدی که شاید نوعی تسکین روحش در برابر وحشت از طبیعت بوده برای ما بر جای گذاشته است. در این تحقیق همین مسئله در مورد شکل پیکره انسان با وجود عوامل تاثیر گذار و ابعاد وسیعتری با توجه به منابع و تحقیقات صورت گرفته در نقاشی ایرانی بررسی می‌شود. در هنر ایرانی نیز مانند دیگر تمدن‌های بشری پرداختن به موضوع انسان در نقاشیها، حجاری‌ها، مجسمه‌ها و دیگر هنرها دارای اهمیت زیادی بوده است، آنچه اهمیت دارد اینست که تصویر انسان در دوره‌های مختلف دستخوش تغییراتی می‌شود. از آنجائیکه آشنایی با نگارگری ایرانی یکی از ملزومات اطلاعاتی برای هر دانشجوی هنر می‌باشد، محقق نیز طی برخوردی که با نگاره‌های ایرانی داشته همیشه تغییر و تحولات موجود در پیکرها، از آثار قبل از اسلام و دوره اسلامی تا نقاشی قاجار برایش سوال برانگیز بوده است. این مسئله‌ایست که در پیکره نگاری مکتب اصفهان صفوی و مکتب قاجار، بخاطر ویژگی‌های خاص و اتفاقات جدید در تصویر در آوردن انسان، در کنار حفظ برخی ارزش‌ها و اصالت‌های گذشته، بیش از دوره‌های دیگر محقق را به تحقیق در مورد آن واداشت. مسلماً قدم نهادن در پیگیری پیکره نگاری دوره‌های مختلف نگارگری ایرانی می‌تواند ابعاد مختلفی را برای تجزیه و تحلیل در مسیر تحقیق باز کند؛ یک نگاه نشانه شناسانه، یک نگاه روانشناسانه، یک نگاه تاریخی، و... از جمله ابعادی است که می‌توان در یک تحقیق به آن پرداخت؛ از این جهت امریست مستلزم زمانی طولانی برای تحقیق و شاید خارج از توانایی یک محقق در جهت بدست آوردن نتیجه‌ای - در کل - مطلوب باشد، لذا در فصل دوم سعی شده است جایگاه انسان در رابطه با معنویت به شکلی کلی در نگاره‌های قبل از مکتب اصفهان صفوی توضیح داده شود.

فضای شاعرانه و خیالی پیکرنگاری ایرانی، انسانی بهشتی که در دین، عرفان و ادبیات از آن یاد می‌شود را نشان می‌دهد. این انسان از ویژگیهای مادی فاصله دارد. در فصل دوم به شروع روند این گسست در ارتباط پیکرها با انسان نورانی که در حکمت و هنر اسلامی از آن یاد شده است می‌پردازیم و این گسست از دوره

حکومت شاه عباس اول صفوی در اصفهان شدت می‌گیرد که ذکر آن در این فصل می‌آید. ادامه تغییر و تحولات تحت تاثیر عوامل مختلف در دوره قاجار در پیکره نگاری بیان می‌شود.

آنچه مسلم است اینست که در دو دوره مذکور عوامل بیشماری می‌تواند در شکل‌گیری تصویر انسان در نگاره‌ها دخیل باشد و تصویر او را از انسان بهشتی دور کند؛ عواملی نظیر تاثیرات سیاسی، اجتماعی، بومی یا سلاطین شخصی هنرمندان و دیگر عوامل جزئی که هر کدام بنوعی در پیکره نگاری ایرانی تاثیر داشته‌اند. اما همانطور که ذکر شد در میان این تاثیرات آنچه نقشی اساسی در اصالت پیکره نگاری این سرزمین داشته ارتباط با معنویت است که داریوش شایگان از آن تحت عنوان صورت ازلی و خاطره قومی یاد می‌کند و در آثار قبل از تاریخ ایران تا زمانیکه هنر ایران تحت تاثیر هنر غرب قرار می‌گیرد، حضور آن را یاد آور می‌شود. این خاطره ازلی که در صورتی خیالی تجسم می‌شد، از قرن یازدهم به بعد رفته‌رفته با راه یافتن به دنیای موضوعات واقعی با گسست میان نقاشی و ادبیات، ظهور پیکره‌های منفرد، تمایل به سه بعد نمایی و تبدیل شدن انسان به ابزاری برای نمایش شکوه دربار کمرنگ می‌شود و نهایتاً در اواخر دوره قاجار که با غلبه نگاه غربی، فرم و تکنیک لازم برای واقع‌نمایی اهمیت می‌یابد این خاطره ازلی متناسب با شرایط زمانه و جایگاه هنرمند به ورطه‌ی فراموشی سپرده می‌شود.

لازم به ذکر است که این تحقیق سعی در زیر سوال بردن یا کم اهمیت جلوه دادن ارزش‌های پیکر نگاری در دوره‌های مذکور ندارد، بلکه سعی شده است تا تغییرات و تبدیلاتی که در نوع نگاه و انگیزه‌های نهفته در نمایش پیکره‌ها اعمال شده و در نتیجه نمود آن در شکل ظاهری آنها بیان شده نشان داده شود.

۱-۲ بیان مسأله

در نگارگری ایران همواره از پیکره انسانی در تصویرگری استفاده شده است و موضوعات بر اساس کتب شعر و داستانهای حماسی، عاشقانه و تغزلی شکل گرفته که در این میان انسان مرکز این داستانها قرار داشته است. این توجه و مرکزیت بر مبنای نوع نگاه ایرانی - اسلامی ویژگیهای خاص خود را داشت. اما این نوع برخورد در دوره صفوی تغییر می‌یابد. آنچه را که محقق می‌خواهد مورد مطالعه قرار بدهد، دیدگاه زیبایی شناسانه و طرح مختصات مادی و جهات معنوی انسان و تناسبات او با جهان خارج در هنر پیکر نگاری مکاتب اصفهان دوره صفویه و قاجار می‌باشد. برای این منظور لازم است که چگونگی ارتباط پیکره انسان با شرایط اجتماعی و سیاسی و همچنین روابط میان ادبیات و نگارگری بررسی شود و تصویر پیکر انسانی را از منظر تأثیراتی که از فضای حاکم بر زمانه خود گرفته و ساختار زیبایی شناسی آثار، مورد بررسی قرار گیرد.

۳-۱ اهمیت و ضرورت موضوع تحقیق

در تحقیقاتی که راجع به نقاشی ایرانی انجام گرفته است در لابه لای مباحثی که در مورد ابعاد مختلف نگارگری نوشته شده اشاراتی مختصر به پیکرهای انسانی و ویژگیهای آنها شده است. محقق سعی دارد با استفاده از منابع موجود و تجزیه و تحلیلهای خود که مستقیماً به موضوع انسان می پردازد تحقیقی ارائه دهد تا در نقاشی ایرانی تصویری روشنتر از پیکرنگاری که محور اصلی نقاشی ایرانی بوده، در مکتب اصفهان صفوی و قاجار برای مخاطبان حاصل شود.

۴-۱ اهداف تحقیق

۴-۱-۱ هدف کلی در این تحقیق بیان جایگاه تصویر انسان مبتنی بر جهات زیبایی شناختی در نگاره های ایرانی که این تحقیق دو مکتب از نقاشی ایرانی را در بر می گیرد.

۴-۱-۲ هدف جزئی تحقیق مبتنی بر تجزیه و تحلیل تصویر انسان در هر دوره از لحاظ چگونگی ارتباط با عوامل تأثیر گذار در هر دوره می باشد.

۵-۱ سؤالات تحقیق:

۵-۱-۱ رابطه پیکره نگاری با عواملی نظیر دربار، شرایط اجتماعی و سیاسی چگونه است؟

۵-۱-۲ روند غلبه انسان بر طبیعت در نقاشی های ایرانی به چه شکلی می باشد؟

۵-۱-۳ چه تفاوتهایی میان تصویر انسان در مکتب اصفهان و قاجار وجود دارد؟

۶-۱ فرضیه های تحقیق:

۶-۱-۱ به نظر می رسد شرایط اجتماعی در پیکره نگاری مکتب اصفهان و قاجار تأثیر گذار است.

۶-۱-۲ گمان میرود عنصر خیال در مکتب اصفهان کمرنگ شده و ایده نگارگر را باید در متن تصویر و ترکیب بندی آن دنبال کرد تا در روابط بینامتنی میان داستان و تصویر.

۶-۱-۳ بنظر می رسد جایگاه انسان در نقاشی مکتب اصفهان و قاجار حضوری زمینی و انسان گرایانه را دنبال نموده است.

۷-۱ قلمرو مکانی و زمانی پژوهش: بخش اصلی این تحقیق نقاشی سده یازدهم و سیزدهم هجری قمری را به ترتیب مرکزیت در اصفهان و تهران شامل می شود، اما برای رسیدن به اهداف تحقیق اشاره هایی به دوره های قبل از سده یازدهم و قبل از اسلام شده است.

۸-۱ روش تجزیه و تحلیل داده ها: کیفی

۹-۱ روش پژوهش: تاریخی-تحلیلی-تطبیقی

۱۰-۱ محدودیتهای پژوهش: کمبود منابعی که گویای شرایط اجتماعی تأثیرگذار بر پیکرنگاری دوره قاجار باشد.

۱۱-۱ شرح واژه ها و اصطلاحات به کاررفته در پژوهش:

پیکرنگاری: منظور تصویری از انسان که نقاشی شده می باشد، با مجسمه سازی یا پیکره تراشی اشتباه نشود. یکه صورتها: همان تکچهره هایی که در سده یازدهم در اصفهان رواج می یابد. پیکرنگاری درباری: این عنوان به نقاشیهایی از دوره قاجار اطلاق شده که از شاهان و درباریان کشیده شده است. صخره نگاری: در این تحقیق نقوش برجسته ای هستند که نه در فضای معماری بلکه بر روی صخره ها کنده شده اند.

۱۲-۱ پیشینه تحقیق

در آثار متعددی نظیر مکتب نگارگری اصفهان نوشته یعقوب آزند، هنر در بارهای ایران نوشته ابوالعلاء سودآور، نقاشی ایران از دیر باز تا امروز نوشته رویین پاکباز، نقاشی و نقاشان دوره قاجاریه نوشته ویلم فلور. از خوشیها و حسرتها نوشته آیدین آغداشلو، مقالاتی نظیر: ابراهیمی ناغانی، حسین. ۱۳۸۸. مطالعه تطبیقی شکل انسان در نگارگری مکتب هرات و قاجار. جلوه هنر. شماره ۱. تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا.

رسولی. زهرا. ۱۳۸۵. آشنایی با احوال و آثار تعدادی از پیکرنگاران دربار قاجار. خبرنامه فرهنگستان هنر. سال ۵ شماره ۴۳ و دیگر آثار مرتبط با مکتب نقاشی اصفهان و قاجار اطلاعاتی در مورد ویژگیهای پیکرنگاری در مکاتب مذکور، شرایط و عوامل مرتبط با آن و معرفی هنرمندان و آثارشان نوشته شده است. محقق مطالعه ای تطبیقی با تمرکز بر مکتب اصفهان صفوی و قاجار، راجع به پیکر انسان را با تجزیه و تحلیلهای خود در یک رساله، به منابع موجود اضافه کرده است.

فصل دوم

مروری بر مفاهیم نظری و ادبیات تحقیق

۲-۱ جایگاه انسان در هنر قبل از اسلام

تصویر انسان در هنر ایرانی در دوران قبل از اسلام و دوران اسلامی حضوری دایم در کنار عناصری نظیر معماری، طبیعت، اشیاء و ... داشته است و در هر دوره‌ای تحت تاثیر عوامل مختلف این تصویر دستخوش تغییرات مختلف شده است. آنچه که مسلم است ذهنیت هنرمند ایرانی از پیکره انسان در ارتباط با ارزش‌های اعتقادی بوده است. اعتقادی که نوعی آرمانگرایی را در تصویر انسان جلوه‌گر می‌سازد. با توجه به مطالعات انجام شده و آثار باقی مانده در این زمینه در می‌یابیم که بتصویر در آمدن پیکره‌های انسانی در موضوعاتی نمادین، روایی، تاریخی و آئینی، بر خلاف انگیزه‌های هنر غربی، در اینجا فارغ از طبیعت گرائی بوده و انسان شکل مرتبط با اسطوره‌ها و دنیایی فرا واقعی به خود می‌گیرد. شاید یکی از کهن‌ترین مصادیق این مهم تصاویر ماندالاه^۱ «یعنی همان نقطه نیستی آفریننده باشد، همان نقطه‌ای که قوم ایرانی هر بار بدان رجعت می‌کند تا خود را بازیابد و تمامیت بازیافته خود را در آئین هنری‌اش باز آفریند» (شایگان ۱۳۵۵، ۲۰۲). در قدیمیترین آثاری که از فلات ایران کشف شده انسان خود را جزئی از طبیعت و مغلوب و متأثر از آن می‌داند، این دیدگاه چیزیست که در شکل آثار باقیمانده از انسان آن دوران بر می‌آید.



۲-۲ ظرف سفالی با طرح انسان، تل باکون در نزدیکی شیراز هزاره چهارم ق.م. همان



۲-۱ پلاک سنگی با نقش انسان نما، جیرفت .. حدود هزاره چهارم ق.م. (محمد پناه، ۱۳۸۶، ۱۰)

^۱. mandala

. نمودار رمزی کیهان که معمولاً به شکل دایره‌ای تقسیم شده به چهار بخش مجزا و یا در برگیرنده صور متعدد از یک تمثال است. طرح‌های نمادین از این گونه به خصوص در هنر بودایی و هندو متداول است

یک پلاک سنگی با نقش انسان عقرب نمادینست از افسانه ها و باور های مردم باستانی ایران و ظرفی سفالی با طرح عجیب انسان خود گویای رابطه ای عمیق میان انسان ، طبیعت و هر آنچه در هستی ماورای ذهن اوست دارد . تصاویر (۲۱) اهمیت مفاهیمی نظر خورنه، فرّه، پائیری دائرا (پارادایز - پردیس) و... دوران باستان ایران نشان از اعتقاد بر جایگاه ازلی برای انسان دارد.

اگر این مسئله را در هنر هخامنشیان دنبال کنیم خواهیم دید که در نقوش برجسته این دوران «در جائیکه شاه اهمیت محوری دارد، حلقه بالدار - نماد خورنه شاه - بر بالای سر او حضور قدرت آسمانی را تاکید می کند و در صحنه ها، در هر پیکره نوعی آرامش و وقار حاکم است». (پاکباز -۱۳۸۷، ۱۹) لذا پیکره انسان در هنر هخامنشی به پیروی از سنتهای گذشته روشهای چکیده نگاری و نماد پردازی را ادامه داد و هیچگاه به اصول طبیعتگرایی یونانی روی نیاورد. دلیل اساسی را باید در تفاوت آرمانها و کمال مطلوب هنری جستجو کرد، یونانیان از پرستش طبیعت بسوی شناخت طبیعت گام برداشتند و با کشف شخصیت فردی انسان ، او را در کانون اندیشه و هنر خویش قرار دادند. بعید بود این تفکر انسان مدارانه و هنری که به انگاره طبیعی انسان می پرداخت، برای آفرینندگان نمادهای قدرت آسمانی جذابیتهای داشته باشد. این تفکر انسان محور بالاخره در دوره ای که موضوع بحث تحقیق می باشد در هنر ایران رسوخ می کند. پس بی ربط نیست اگر بگوئیم وقار و آرامش همراه با جلال و زیبایی که در پیکره های هخامنشی، اشکانی و ساسانی شاهد هستیم از اعتقاد ایرانیان و اتصال آنان به مرکز وجود و عالم درون ریشه می گیرد. این عالم درون بگفته داریوش شایگان همان خورنه یعنی جغرافیای اساطیریست که در عرفان اسلامی نیز آن را می یابیم. بگفته ی او اقلیم هشتم و جابلقا و جابلسا و هورقلیا، اشاره به همین فضای اساطیری که عالم مثال است دارد. شاید ناکجا آباد بهترین تعبیریست که او برای این فضای اساطیری بر می گزیند. زیرا در این ناکجا آباد زمین، فضای میانه و آسمان در ساحتی یگانه که همان ساحت حضور اساطیری است یکی می شوند. عدم بازنمایی بعد سوم و حالات عاطفی و روحیات انسانی، از طریق چکیده نگاری و نماد پردازی، شباهت چهره افراد به همدیگر و توسل هنرمند به پیوند انسان با اسطوره ها تلاش او را در جهت بیان تصویری از انسان در ساحتی آرمانی و نه شخصیتی فردی نشان می دهد. متن کتیبه های^۱ که در آن پادشاهان ایران باستان خود به چهره داشتن از ایزدان اذعان دارند،

^۱ کتیبه پیروزی شاپور اول که بر سنگ های بنای کعبه زرتشت در نقش رستم شیراز حک شده است.



۲-۳ گروه هدیه آور بابل بر جبهه شمالی ایوان کاخ آپادانای تخت جمشید. همان



۲-۴ نقش برجسته نیزه داران ایلامی بر جبهه شمالی ایوان کاخ آپادانای تخت جمشید. همان

شبهت چهره شاهان و دیگر افراد، خشکی توام با وقار و سنگینی، پرهیز از شخصیت پردازی جملگی مؤید این نکته می‌باشند که در دوران قبل از اسلام نیز پیکره‌ها با توجه به اعتقادی معنوی، ورای عالم جسمانی شکل می‌گرفتند. (تصویر ۳،۴) در این تصاویر فرم انسان تمایل به استوانه شدن دارد و فرو رفتگی و برجستگیهای بدن، استخوان و ماهیچه‌ها، حالت‌هایی که بدن در حال حرکت بخود می‌گیرد و تفاوت این موارد در افراد مختلف جای خود را به فرمی ساده شده با انحناهایی کلی که متمایل به حالت استوانه‌ای هستند می‌دهد. در واقع تا حد زیادی اندام انسان از حالت فیزیکی فاصله گرفته است.